بسم الله الرحمن الرحیم

درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری

جلسه ۷۷: دوشنبه ۲۶/۱۲/۱۳۹۸

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

و به نستعین انه خیر ناصر و معین

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آله الطاهرین

و اللعن علی اعدائهم اجمعین من الآن الی قیام یوم الدین

در جلسة قبل در مورد روایت محمد بن ابی حمزة عن محمد بن حُکِیم توضیح می‌دادیم، در این روایت وارد شده بود، روایت کافی جلد ۶، صفحة ۱۰۱ وارد شده. عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع قَالَ: قُلْتُ لَهُ الْمَرْأَةُ الشَّابَّةُ الَّتِي‏ تَحِيضُ‏ مِثْلُهَا يُطَلِّقُهَا زَوْجُهَا فَيَرْتَفِعُ طَمْثُهَا كَمْ عِدَّتُهَا قَالَ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ قُلْتُ فَإِنَّهَا ادَّعَتِ الْحَبَلَ بَعْدَ ثَلَاثَةِ أَشْهُرٍ قَالَ عِدَّتُهَا تِسْعَةُ أَشْهُرٍ قُلْتُ فَإِنَّهَا ادَّعَتِ الْحَبَلَ بَعْدَ تِسْعَةِ أَشْهُرٍ قَالَ إِنَّمَا الْحَبَلُ تِسْعَةُ أَشْهُرٍ قُلْتُ تَزَوَّجُ قَالَ تَحْتَاطُ بِثَلَاثَةِ أَشْهُرٍ قُلْتُ فَإِنَّهَا ادَّعَتْ بَعْدَ ثَلَاثَةِ أَشْهُرٍ قَالَ لَا رِيبَةَ عَلَيْهَا تَزَوَّجُ إِنْ شَاءَتْ.

در مورد این روایت صحبت می‌کردیم، عرض کردم این خانمی هست که، ابتدا سؤال می‌کند که زنی که طمثش برطرف شده عده‌اش چه شکلی هست؟ می‌گوید عده‌اش سه ماه هست. بعد در ادامه می‌گوید که بعد از سه ماه ادعای حمل کرده. می‌گوید من حامله هستم. روایت می‌فرماید که این عده‌اش ۹ ماه است. می‌گوید بعد از ۹ ماه باز ادعا دارد که هنوز حامله است. امام علیه السلام می‌فرماید که إِنَّمَا الْحَبَلُ تِسْعَةُ أَشْهُرٍ. این حاملگی ۹ ماه هست، سؤال می‌کند حالا ازدواج بکند، می‌گوید نه، تَحْتَاطُ بِثَلَاثَةِ أَشْهُرٍ، بعد سؤال می‌کند که بعد از این سه ماه جدید که با آن ۹ ماه یک سال می‌شود بعد از آن: فَإِنَّهَا ادَّعَتْ بَعْدَ ثَلَاثَةِ أَشْهُرٍ قَالَ لَا رِيبَةَ عَلَيْهَا تَزَوَّجُ إِنْ شَاءَتْ. اگر بخواهد مایل باشد می‌تواند ازدواج کند.

در جلسة قبل عرض می‌کردیم که اینجا این‌که امام علیه السلام فرمودند انما الحبل تسعة اشهر، در مقام این هست که این ادعایی که زن کرده که این ادعا حالا اگر واقعیت داشته باشد که واقعاً اطمینان داشته که حامله است، با إِنَّمَا الْحَبَلُ تِسْعَةُ أَشْهُرٍ، می‌خواهد این اطمینان زن را به شک تبدیل کند. اگر بعد از یک سال هم باز هم می‌گوید من حامله‌ام که این حامله بودن هم اگر این ادعا ناشی از اطمینان به حامله بودن باشد، می‌خواهد این اطمینان را به اطمینان به عدم تبدیل کند. می‌گوید نه‌تنها اینجا اطمینان به حامله بودن وجهی ندارد، اصلاً شک در حامله بودن هم نیست. بدون تردید این شخص حامله نیست و بنابراین می‌تواند ازدواج کند و در ازدواج کردنش مشکلی نیست. ما روایت، در جلسة قبل هم اشاره کردم دو جور می‌شود روایت را معنا کرد. این یک نحو معنایی بود که در جلسة قبل توضیح دادیم.

یک نحو دیگر این هست که نه، این خانم حتی بعد از این حکم شرعی هنوز هم روی ادعای خودش پابرجاست. این ادعا را دارد. هنوز اطمینان دارد. اینجا چطور؟ به نظر می‌رسد حتی بنابراین احتمال هم بشود روایت را معنا کرد. توضیح ذلک این‌که زنی هست، ادعا می‌کند که من حامله هستم. این ادعای حامله بودن تا ۹ ماه مقبول هست. مورد پذیرش هست. بعد از ۹ ماه شارع این ادعا را قبول نمی‌کند. قبول نمی‌کند به این معنا، حتی اگر در مورد خود زن هم اطمینان هم داشته باشد، شارع به خود زن هم می‌گوید شما به این اطمینانت نباید ترتیب اثر بدهی. اطمینان احتمال ضعیف بر خلاف هم در موردش وجود دارد. اینجور نیست که اطمینان ضعیف بر خلاف نباشد. حالا می‌گوید ولو اطمینان هم دارید نباید به این اطمینانت عمل کنی، مانعی ندارد شارع به کسی بگوید که به اطمینانت عمل نکن. یعنی إِنَّمَا الْحَبَلُ تِسْعَةُ أَشْهُرٍ، می‌تواند نفی حجیت اطمینان زن حتی برای خودش هم باشد. حتی از این بالاتر می‌خواهم عرض کنم، حتی یقین هم داشته باشد به این‌که حامله است ممکن است شارع مقدس با وجود یقین به حامله بودن به شخص بگوید احکام حامله بودن را شما بار نکنید. یعنی یک نوع موضوعیت برای یقین قائل بشود. بگوید شخصی که یقین هم دارد که حامله است، احکام حامله بودن را نباید بار بکند. این یقین، یقین بی‌جایی هست. یقینی که حجیت دارد، یقین طریقی است. ولی شارع مقدس اینجا می‌تواند یقین را موضوعی اخذ کرده باشد. یعنی با وجودی که شخص یقین دارد که حامله است، ولی می‌گوید چون یقین شما یقین بی‌جایی هست و این احکام یقین را شما نباید بار کنید. اطمینان که دیگر راحت‌تر. بنابراین عبارت إِنَّمَا الْحَبَلُ تِسْعَةُ أَشْهُرٍ در مقام نفی اعتبار اطمینان یا از آن بالاتر نفی اعتبار یقین هست. می‌گوید یقین به حامله بودن هم این اعتبار را ندارد. راوی سؤال می‌کند حالا که شارع مقدس اطمینان زن را به حامله بودن یا یقین زن را به حامله بودن به آن ترتیب اثر نداده، حالا می‌تواند برود ازدواج کند؟ می‌گوید نه، ولو این اطمینان دارد، شارع مقدس حکم اطمینان را دیگر بار نکرده. ولی حکم شک را بار کرده. یعنی اینجا در فاصلة ۹ ماه تا یک سال اطمینان و یقین به حامله بودن بی‌جا بوده. ولی احتمال ضعیف حامله بودن هنوز راه دارد. چون احتمال ضعیف حامله بودن هنوز راه دارد، شارع مقدس این اطمینانی که به حامله بودن را دارد، این اطمینان را به منزلة شک در حامله بودن گرفته. ولو به حامله بودن یقین دارد، این یقین را می‌گوید یقینت بی‌جاست، ولی چون شک به حامله بودن جا دارد، تحتاط به اعتبار این‌که این یقین نازل منزلة شک قرار داده شده، نه نازل منزلة یقین عدم. می‌گوید تحتاط. این شخص احتیاط می‌کند تا یک سال. بعد از یک سال اگر یقین داشته باشد، یا اطمینان داشته باشد، اینجا حتی حکم شک هم بار نمی‌شود. لا ریبة علیها، می‌تواند ناظر به همین باشد که در صورت قبلی به اعتبار این‌که هنوز شارع مقدس برای احتمال حاملگی، یعنی احتمال حاملگی را مطرح می‌داند، ولو زن خودش اطمینان دارد یا حتی یقین دارد، ولی اطمینانش بی‌جاست، ولی احتمالش جا دارد، بنابراین شارع مقدس در فاصلة ۹ ماه و یک سال احکام احتمال حاملگی را که احتمال حاملگی این هست که طرف یا وجوباً یا احتیاطاً ازدواج نکند. خلاصه تحتاط بثلاثة اشهر، شاید مراد احتیاط استحبابی باشد. چون بالأخره ممکن است حامله باشد احتیاط کند و ازدواج نکند. چون ممکن است حامله باشد. اما بعد از یک سال حتی احتمال حامله بودن هم نیست. قطعاً این حامله نیست. اگر یقین هم داشته باشد اطمینان هم داشته باشد این اطمینانش بی‌جاست، بی‌خود است، مطمئن باشد که جایگاهی ندارد. حتی در حق خودش هم این مطلب جایی ندارد و هیچ شک و شبهه‌ای در مسئله نیست. شرعاً هم حکم مشکوکة الحمل را هم نباید بار کند. حکم متیقنة الحائلیة را باید بار کند. زنی که یقین دارد که حامله نیست، این عده‌اش هم که سپری شده این می‌تواند ازدواج کند. این زن هم ولو یقین به حاملگی دارد، این اطمینان کلا اطمینان است. نه تنها کلا اطمینان است، مثل اطمینان به عدم حاملگی هست. البته یک توضیحی اینجا در مورد آن تحتاط هم بدهم. آن تحتاط بثلاثة اشهر این احتمال هم وجود دارد که حکم ارشادی باشد، نه وجوبی باشد، نه استحبابی. تحتاط بثلاثة اشهر آن این است که نمی‌خواهد بگوید شرعاً مستحب است احتیاط کند، بحث این است که چون تا سه ماه دیگر هنوز احتمال ولو احتمال ضعیف حاملگی هست بهتر این است، بهتر این است به این معنا که اگر احتیاط نکند، ازدواج کند، ممکن است حامله بودنش روشن بشود بعد به مشکل برخورد بکند. پس این است که برای این‌که به مشکل برخورد نکند، سه ماه دیگر هم صبر کند، یکسال که گذشت دیگر بعد از یک سال هیچگونه احتمال، ولو احتمال ضعیفی هم وجود ندارد. بنابراین به هیچ وجه بعد از یک سال احتیاط هم جا ندارد. و آن تحتاط بثلاثة اشهر می‌خواهم عرض کنم که امر ارشادی هست، راه امام علیه السلام می‌خواهند به شخص یاد بدهند برای این‌که شخص به مشکل مواجه نشوند. یک تعبیری احتیاطش به این معنا، تحتاط یعنی کاری بکند که به محذور برخورد نکند.

یک روایتی در بحث متعه هست که آیا متعه یکی از چهارتا، قرب الاسناد حمیری در مورد احتیاط یک تعبیری دارد.

سؤال کرده عن المیراث فقال کان، این اصل روایت‌ها در مورد: وَ قَالَ فِي الرَّجُلِ‏ يَتَزَوَّجُ‏ الْمَرْأَةَ مُتْعَةً، ثُمَّ يَتَزَوَّجُهَا رَجُلٌ مِنْ بَعْدِهِ ظَاهِراً، فَسَأَلْتُهُ: أَيُّ الرَّجُلَيْنِ أَوْلَى بِهَا؟

فَقَالَ: «الزَّوْجُ الْأَوَّلُ».

وَ قَالَ: «الْبِكْرُ لَا تَتَزَوَّجُ مُتْعَةً إِلَّا بِإِذْنِ أَبِيهَا».

قبل از آن هم

این جزو روایت‌هایی هست که، روایت‌های بزنطی است.

احمد بن محمد عن احمد بن محمد بن ابی نصر، روایت‌های بزنطی است. بزنطی یک سری سؤالاتی در مورد متعه دارد.

قال و قال ابو جعفر عدة من متعة حیضةٌ و قال

وَ قَالَ: «قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ‏: عِدَّةُ الْمُتْعَةِ حَيْضَةٌ، وَ قَالَ: خَمْسَةٌ وَ أَرْبَعُونَ يَوْماً لِبَعْضِ أَصْحَابِهِ».

بعد روایت بعدی‌اش هست باز هم در مورد متعه سؤال کرده، بعد در مورد میراث متعه سؤال کرده. همین‌جور تا رقم ۱۲۹۶، که صفحة ۳۶۲ است. می‌گوید: وَ سَأَلْتُهُ: مِنَ الْأَرْبَعِ هِيَ؟ متعه یکی از چهارتاست.

فَقَالَ: «اجْعَلُوهَا مِنَ الْأَرْبَعِ عَلَى الِاحْتِيَاطِ».

می‌گوید شما احتیاط کنید و آن را جزء متعه قرار بدهید. یعنی چون‌که ممکن است شما گیر بیفتید و چون عامه قبول ندارند، شما به حسب ظاهر این را یکی از آن سه تا قرار بدهید. احتیاط کردن به این معنا هست که می‌گوید کاری انسان بکند که به مشکل مواجه نشود. «اجْعَلُوهَا مِنَ الْأَرْبَعِ عَلَى الِاحْتِيَاطِ» این شکلی.

ما هم در این روایت «تَحْتَاطُ بِثَلَاثَةِ أَشْهُرٍ» ممکن است این باشد که احتیاط در این هست، نه این‌که شرعاً این احتیاط واجب است یا مستحب است، یعنی کاری که انسان مناسب است انجام بدهد که به محذوری مواجه نشود این هست که سه ماه دیگر هم صبر کند که دیگر هیچگونه شک و شبهه‌ای در حامله بودن زن حاصل نشود، ولو این‌که بعد از ۹ ماه شرعاً می‌تواند ازدواج کند، حتی ازدواج کردنش هم ممکن است کراهتی نداشته باشد، خلاف استحبابی هم نباشد، ولی اگر ازدواج کرد بعداً به محذور مواجه شد و گیر کرد دیگر فلا یدوم الا نفسه، امثال اینها. احتیاط ممکن است به این معنا باشد، تحتاط بثلاثة اشهر.

من در مورد روایت‌های محمد بن حُکِیم در ضمن بحث‌های سابق اشاره کرده بودم که روایت‌های محمد بن حُکِیم که عن ابی الحسن یا عن ابی الحسن او ابی عبد الله وارد شده به نظر می‌رسد که همة این روایت‌ها یک یا دو روایت باشد. در ضمن بحث‌ها اینها را توضیح دادم ولی یکی از دوستان سؤال گذاشته بود که این را توضیح ندادید، این بود که گفتم یک چکیده‌ای از بحث سابق را هم دوباره به آن اشاره کنم بد نیست. آن این است که ما این روایت محمد بن حُکِیم سه تا نقل مفصّل دارد و چهار تا نقل کوتاه دارد. چهار تا نقل کوتاهش که دو تایش در جامع احادیث نقل شده یکی‌اش در جامع احادیث نقل نشده. نقل‌های مفصلش رقم ۴۰۵۳۱، ۴۰۵۳۲ هست. و این نقل‌های مفصل. به علاوة یک نقل سومش کافی جلد ۶، صفحة ۱۰۱ هست.

نقل‌های کوتاهش که، این دو تا نقل روایت دوم یا سوم باب ۷ از ابواب العدد، که جلد ۲۷، صفحة ۲۳۳ است.

اما نقل‌های کوتاه که قطعاتی از این روایت هست ۴۰۴۸۵، ۴۰۴۸۸، ۴۰۴۸۹ و ۴۰۵۳۳ هست. آن سه تای اوّلی باب ۳ از ابواب عدد، روایت ۱۸، ۲۱ و ۲۲ هست. این چهارمی‌اش هم روایت چهارم از باب ۷، از ابواب العدد هست که وارد شده.

عرض می‌کردیم این روایت‌ها به نظر می‌رسد که اشتباهاتی در این روایت‌ها رخ داده. یک اشتباه در این هست که یک قطعه‌ای در روایت هست که: ارْتِفَاعُ‏ الطَّمْثِ‏ ضَرْبَانِ‏ فَسَادٌ مِنْ حَيْضٍ وَ ارْتِفَاعٌ مِنْ حَمْلٍ. که این در مورد ارْتِفَاعُ‏ الطَّمْثِ‏ ضَرْبَانِ همین قطعه در رقم ۴۰۴۸۵، ۱۸ از باب ۳، از ابواب العدد هست، قطعة کوتاهش وارد شده، این در نقل‌های مفصل در یک نقلش این هست، این تکه را امام علیه السلام در مورد کسی می‌گویند که بعد از سه ماهی که خونش قطع شده رفته ازدواج کرده، بعد از ازدواج حالا مدعی حبل است. و این شخص مدعیة الحمل است.

در روایت ۴۰۵۳۱ این شکلی مطرح کرده که، مدعی ندارد، فتبیّن بها هست. ولی می‌خواهیم بگوییم این مربوط به ادعای حمل کردن هست بعد از ازدواج. بعد از ازدواج می‌گوید که من حامله هستم. این مدعی هست که حامله است.

ولی در نقل ۴۰۵۳۲ این عبارت بعد از ۹ ماه، اصلاً بحث ازدواج مطرح نیست. می‌گوید بعد از این‌که، بعد از ۳ ماه ادعای حاملگی می‌کند که امام علیه السلام می‌فرماید ادعای حاملگی کردن ۹ ماه صبر می‌کنند. می‌گوید بعد از ۹ ماه باز ادعای حاملگی کرده، امام علیه السلام این جمله را فرمودند. که ما عرض می‌کردیم که نه این ظاهراً مربوط به همان صورتی هست که ازدواج کرده. که می‌خواهیم بگوییم، زنی که ازدواج کرده بعد از سه ماه عده نگه داشتن، این ازدواجش محکوم به صحت است. این عبارت ناظر به این هست که به حسب حکم ظاهر شرع عده‌اش سپری شده و این ادعاء زن بعد از سه ماه و بعد از ازدواج مسموع نیست. و آن روایت قاتی شده، اشتباه شده. این یک تکه.

یک تکة دیگر این هست، در بعضی از این روایت محمد بن ابی حمزه عن محمد بن حُکِیم مطرح شده که صحبت سر این هست که اوّل سؤال می‌کند مرئه‌ای که شابه هست در سن من تحیض هست، ولی حیضش قطع شده. حکم عده‌اش چی است؟ امام علیه السلام می‌فرماید سه ماه باید عده نگه دارد. بعد از آن می‌گوید بعد از سه ماه، إنّها ادعت الحبل. امام علیه السلام می‌گوید باید ۹ ماه عده نگه دارد. بعد از سه ماه، ادعای حَبَل، مطرح است در این نقل محمد بن حکیم. ولی در نقلی که در بعضی نقل‌های دیگر بعد از سه ماه ادعای حبل نیست، ارتیاب هست. در نقل صفوان عن محمد بن حکیم این شکلی است که همان ۴۰۵۳۱ از روایت‌های مفصل. همچنین از روایت‌های کوتاه هم در نقل ۴۰۴۸۸ هم، احمد بن عائز هم بحث ارتیاب مطرح شده که می‌گوید اگر بعد از ۳ ماه ارتیاب داشت، این باید ۹ ماه صبر کند.

عرض می‌کردیم ظاهراً اینجا قاتی شده. این روایت، این‌که باید صبر بکند در مورد زنی هست که مدعیة الحَبَل است، نه مرتابة الحَبَل. اینجا بین دو موضوع خلط شده. بین مدعیة الحَبَل و مرتابة الحَبَل. و ما می‌گفتیم این روایت محمد بن ابی حمزة عن محمد بن حُکِیم صحیح‌ترین نقل این روایات هست. البته نقل کاملش نیست، قطعه‌ای از آن انما یرتفع الطمث هم باید این روایت اضافه بشود. ولی در تکیه‌ای که دارد این روایت محمد بن ابی حمزة عن محمد بن حُکِیم صحیح‌ترین نقل هست. آن این است که قبلاً هم این توضیحش را دادم. زنی که ارتیاب حمل دارد، یعنی شک دارد، کسی که شک داشته باشد سه ماه که خون حیض نبیند این عده‌اش به حسب ظاهر سپری شده و چیزش تمام شده. و از همین روایت هم استفاده می‌شود که خود همان صدر این روایت هم که می‌گوید سه ماه عده باید نگه دارد، در همین روایت محمد بن حُکِیم که می‌گوید عدة زنی که شابّه هست، خونش قطع شده می‌گوید عده‌اش سه ماهه است. این مثال روشن این مرتابة الحمل است. غیر از روایت‌های دیگری که، روایت زراره که ایها امران، ایهما سبق الی المرأة بانت به. روایت‌هایی که وارد شده که اگر زنی سه ماه پاک باشد، چیزش سپری می‌شود. حالا غیر از آنها، و روایت‌های محمد بن مسلم و امثال اینها که آنهایش بماند. خود همین روایت، آنها را حالا خیلی کار نداریم، ممکن است شما بگویید آن روایت‌ها برای مرتابة الحمل نیست و امثال اینها، حکم واقعی را می‌خواهد بیان کند، جایی که واقعاً سه ماه پاک باشد و واقعاً هم این حامله نباشد. این ناظر به آن نیست. ولی روایت ما نحن فیه آن روایت محمد بن حُکِیم صدرش هم در نقل محمد بن ابی حمزه این دارد که عده‌اش سه ماهه است، ابتدا عده را سه ماهه ذکر کرده و روایت صفوان هم می‌گوید عده‌اش سه ماهه است ۴۰۵۳۱. هم روایت کوتاه دیگری هم هست که آن هم می‌گوید که روایت ۴۰۴۸۹، عبد الکریم بن عمرو عن محمد بن حُکِیم عن عبد صالح، قال قلت له صلوات الله علیه جاریة شابة التی لا تحیض و مثلها تحمل (یا تحیض) طلقها زوجها قال عدتها ثلاثة اشهر.

از این روایات استفاده می‌شود که عدة مرتابة الحمل، این مثال روشن این صدر روایت مرتابة الحمل است، مثلها تحمل یعنی مرتابة الحمل است. نه این‌که یقین دارد که حامله نیست. نه، این مثال روشنش مرتابة الحمل هست، می‌گوید این عده‌اش سه ماهه است. آن که در ذیل هست بحث مرتابه نیست، بحث مدعیة الحمل است. زنی که مدعیة الحمل باشد تا ۹ ماه این ادعای حملش مسموع هست. بعد از ۹ ماه ادعای حملش مسموع نیست. بعد از آن می‌تواند ازدواج کند. می‌تواندش را بستگی دارد آن تحتاط بثلاثة اشهر را چجوری معنا کنیم. علی ای تقدیر بحسب حکم ظاهری شرعی بعد از سپری شدن ۹ ماه این خانم حامله حساب نمی‌شود بنابراین این حکم شرعی حاملگی اینجا بار نمی‌شود. و ادعایش مسموع نیست. ادعایش در مورد حامله بودن مسموع نیست. این بحث را قبلاً هم عرض کردم یک موقعی هست که الآن زن ادعای حاملگی دارد، بنابراین می‌خواهد بگوید من هنوز عده‌ام سپری نشده، شوهر اگر رجوع کرد، رجوعش در وقت بوده. نه این ادعاها مسموع نیست. ولی اگر بعداً زایید، تا یک سال اگر بچه‌ای به دنیا آورد آن یک بحث دیگری است که بعداً این بچه حکم می‌شود که بچة این شخص هست و آن بعداً کشف می‌شود که این حامله بوده. ولی عرض من این هست که تا وقتی که ثابت نشده است حامله است، تا وقتی که بچه‌ای به دنیا نیاورده باشد این حکم به حامله بودن این خانم نمی‌شود و می‌گویند حامله نیست و چون حامله نیست بنابراین با همان سه ماهی که، سه ماه بیضی که بوده عده‌اش سپری شده، بنابراین این خانم دیگر حکم به حامله بودنش نمی‌شود و عده‌اش سپری شده و می‌تواند ازدواج کند و مانعی از ازدواجش وجود ندارد.

بنابراین این روایت‌ها مربوط به مدعیة الحمل هست نه مرتابة الحمل. این تکة روایت. آن روایت قاتی شده. البته در خود روایت محمد بن ابی حمزه مطرح شده که در بعضی صورت‌ها طرف ولو مدعیة الحمل هست، حکم شک در حامله بودن را برایش بار کرده، حکم شک در حامله بودن را یعنی امام علیه السلام بحث شک در حامله بودن را هم مطرح فرموده، قاتی شده بین مدعیة الحمل و مرتابة الحمل به خاطر این بوده که در روایت از ارتیاب صحبت شده بوده. ولی این ارتیاب نه این‌که زن خودش مرتابة الحمل بوده، یعنی ارتیاب. شارع مقدس ولو زن مدعیة الحمل هست، در فاصلة بین ۹ ماه و یک سال حکم ارتیاب حمل را بار کرده بوده، حکم لزومی، حکم استحبابی به احتیاط، یا ارشادی به احتیاط را مطرح فرموده. منشاء قاتی شدن مدعیة الحمل و مرتابة الحمل همین هست که در روایت بحث ارتیاب حمل هم مطرح بوده. ارتیابی که یک نوع ارتیاب شرعی هست، و بعد از یک سال هم گفته دیگر ارتیاب نیست. ارتیاب هم نیست عرض کردم یعنی شرعاً هم ولو زن خودش ممکن است مدعیة الحمل باشد، ولی شارع مقدس می‌گوید نه تنها ادعایش مسموع نیست، حتی در حد احتمال هم دیگر به این ادعایش دیگر ترتیب اثر داده نمی‌شود. احتمال دیگر در کار نیست، یقین به عدم حامله بودن حاصل خواهد شد.

اینجا من یک نتیجه‌گیری می‌خواهم بکنم در بحث‌های آینده این بحث به درد می‌خورد.

یک بحث این هست که حداکثر مدت حمل ۹ ماه است یا یک سال است. به نظر می‌رسد که حداکثر مدت حمل واقعی یک سال هست، ولی زنی که مدعی حاملگی هست، این ادعا بعد از ۹ ماه دیگر مسموع نیست. حکم ظاهری شرعی حامله بودن است. بله مسموع نیست ولی اگر بچه‌ای آورد تا یک سال این بچه، بچه تلقی می‌شود، ولی تا وقتی که بچه نیاورده باشد احکامی که متوقف بر بچه نیست، مثل همین معتدّه بودن و امثال اینها، آن احکام بار نمی‌شود مگر ثابت بشود حامله بودن زن که بچه آوردن خودش یک نوع اثبات حامله بودن هست، این دو تا مطلب را به نظر می‌رسد باید تفکیک قائل شد. من هنا یظهر.

یک نقلی ما داشتیم، نقلی که ابان عن محمد بن حُکِیم عن ابی ابراهیم، یکی از نقل‌های کوتاه ماه، عن ابی ابراهیم او ابیه بود. که در آن داشت که مطلقه اگر بچه‌ای بعد از یک سال بیاورد لم تصدّق ان جائت به لاکثر من سنةٍ لم تصدّق و لو ساعةً. ما عرض می‌کردیم این قطعه ممکن است یک روایت مستقل باشد، ممکن هم هست که نقل به معنا، برداشتی باشد که از همین روایت‌های محمد بن حکیم مورد بحث ما گرفته شده باشد. چون در این روایت محمد بن حکیم ما این هست که بعد از یک سال لا ریبة علیها، اگر هیچگونه شکی وجود نداشته باشد، معنای این‌که شک وجود نداشته باشد این است که بچه‌ای بیاورد دیگر تصدیق هم نمی‌شود. لا ریبة علیها، به هیچ وجه دیگر تصدیق نمی‌شود. این احتمال هم وجود دارد که این روایت ابان عن محمد بن حُکِیم هم قطعی از همان روایت، یعنی نقل به معنا و برداشتی هست که روات از روایت محمد بن حُکِیم عن ابی عبد الله و ابی ابراهیم که مجموع نقل‌هایش این هست که این روایت از امام کاظم علیه السلام هم هست نه از امام صادق علیه السلام. بنابراین از این هفت نقلی که چهار نقل کوتاه و سه نقل مفصل، ۶ تایش ظاهراً یکی است. حالا یا قطعاتی به یک جا برمی‌گردد. هفتمی‌اش هم احتمال دارد، قطعه‌ای از همین روایت باشد، همین ابان عن ابن حُکِیم، احتمال دارد مستقل باشد. من مظنونم این است که آن هم قطعاتی از این روایت است. ولی در حدی نیست که بتوانیم خیلی روی آن پافشاری بکنیم. این است که عرض کردیم این هفت روایت محمد بن حُکِیم بازگشت می‌کند به یک و حداکثر ۲ روایت. البته محمد بن حُکِیم یک نقلی هم از محمد بن مسلم دارد که آن نقل محمد بن مسلم هم دو نقل داشت که ما هم عرض می‌کردیم آن دو نقل هم به نظر می‌رسد که یک نقل باشد. من این احتمال را می‌دهم که محمد بن حُکِیم اساساً نقل به معنا زیاد می‌کرده، یک مقداری این اختلافاتی که اینجا هست به خاطر خود محمد بن حُکِیم هست که چه بسا نقل به معنا در موردش بیشتر اتفاق می‌افتاده. جزء محدثین که حدیث زیاد داشته باشد نبوده، چه بسا اینها دیگر به نقل عین الفاظ مقید نبودند، نقل معنا را چیز می‌کردند که احیاناً همین نقل به معناها باعث بعضی از این اختلافات مفصلی هست که بین نقل‌های مختلف محمد بن حُکِیم هم رخ داده. روایت محمد بن حُکِیم، که از محمد بن مسلم هست ۴۰۴۶۲ و ۴۰۴۶۳ هست که ما گفتیم اینها یکی هست.

۴۰۴۶۲ این بود: سمعت ابا جعفر علیه السلام یقول فی المرأة التی قد یئست من المحیض یطلقها زوجها قال قد بانت منه و لا عدة علیها.

که التی قد یئست من المحیض گفتیم این همان التی لا تحبل مثلها هست که در نقل ۴۰۴۶۳ نقل شده. لا عدة علیها. یائسة شرعیه همانی هست که لا تحبل مثلها، این نقل به معنایی اینجا رخ داده. لا تحبل مثلها و قد یئست. مراد از لا تحبل مثلا هم. البته لا تحبل مثلها در مورد زن، بچه هم شامل می‌شود. ولی احتمال دارد که یک نوع مثلاً التی قد یئست من المحیض بوده، حالا لا تحبل مثلها از یک جهت تعمیم دارد موارد بچه را هم شامل بشود. ولی ممکن است که نه لا تحبل مثلها ناظر به مواردی باشد که گذشته آن دورة حاملگی‌اش و الآن دیگر بعد از این لا تحبل مثلها، نه این‌که قبلاً حامله نمی‌شده. قبلاً حامله می‌شده از این الآن و آینده حامله نمی‌شود. یعنی نسبت به حال و آینده. شاید لا تحبل مثلها نسبت به موارد صغیره شامل نباشد، دقیقاً این دو تا مثل هم باشد. خب این بحث‌ها تمام.

ان‌شاءالله بقیة بحث‌ها را یک هفتة اوّل عید تعطیل هست، ان‌شاءالله هفتة دوم در خدمت دوستان هستیم.

ان‌شاءالله ما را از دعای خیر فراموش نخواهید کرد در این ایام، حالا در خانه نشستید و بیرون هم نمی‌روید ولی دعای شما شامل حال ما باشد و شامل حال آقای وحیدی هم که اینجا نشستند باشد.

و صلی الله علیه سیدنا و نبینا محمد و آله محمد

پایان